

در جهانی شدن اسلام تقدم با قدرت فرهنگی است

رئیس مرکز پژوهشهای علوم انسانی اسلامی صدرا در نشست «اسلام و جهانی شدن» با آسیب شناسی جهانی شدن غربی و بیان ویژگیهای جهانی شدن اسلام و...



رضا غلامی در نشست "اسلام و جهانی شدن":

آینده از آن جهانی شدن اسلام با محوریت انقلاب اسلامی است/ در جهانی شدن اسلام تقدم با قدرت فرهنگی است

رئیس مرکز پژوهشهای علوم انسانی اسلامی صدرا در نشست «اسلام و جهانی شدن» با آسیب شناسی جهانی شدن غربی و بیان ویژگیهای جهانی شدن اسلام و برتری آن بر جهانی شدن غربی با تأکید بر اینکه آینده از آن جهانی شدن اسلام با محوریت انقلاب اسلامی است، گفت: در هندسه قدرت جهانی که انقلاب اسلامی در آن نقش منحصر به فردی دارد، تقدم با قدرت فرهنگی است. تاکنون تقدم در هندسه قدرت جهانی در دنیا با قدرت نظامی و اقتصادی بوده است و روزی خواهد رسید که غلبه با فرهنگ خواهد بود.

به گزارش خبرنگار مهر، نشست «اسلام و جهانی شدن» پیش نشست «همایش بزرگ بین المللی جایگاه و نقش دنیای اسلام در تحول هندسه قدرت جهان» با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین رضا غلامی، رئیس مرکز پژوهشی علوم انسانی اسلامی صدرا و نویسنده کتاب «اسلام و جهانی شدن؛ بررسی امکان جهانی شدن اسلامی در قرن ۲۱»، عصر امروز ۱۳ اسفند در سالن همایشهای کانون اندیشه جوان برگزار شد که اکنون گزارشی از سخنان وی از نظر شما می گذرد.

پیامبران الهی مبعوث شدند تا عقل انسانها را بیدار کنند. اسلام ذاتا دین جهانی است، البته همه پیامبران اولوالعزم(ع) که دین را به بشر عرضه کردند، رسالتشان جهانی بوده است، اما رسالت جهانی پیامبر اسلام(ص) به خاطر خاتمیت بودن موضوعی واضح و روشن است. اسلام از همه ویژگیهای جهانی شدن برخوردار است. پیام اسلام جهانی بوده و ارتباط خاصی با منطقه ای که از آنجا ظهور کرده ندارد، بلکه تمام اقوام را تحت پوشش قرار داده و به نیاز آنها در همه زمانها و مکانها توجه می کند. اسلام قادر به استفاده از ابزارهای مختلف برای رساندن پیام خود به جهان است، هر چند ابزارهای ویژه ای هم دارد اما در این راستا ابایی در استفاده از دیگر ابزارها ندارد. از سوی دیگر اسلام برای تحقق پیام خود قدرت دارد و این گونه نیست که در برابر این موضوع سکوت کرده باشد.

بخش عمده ای از پیامهای اسلام وجهه اجتماعی آن است. دین کامل نمی تواند در امور اجتماعی و سیاسی دخالت نکرده و آنها را تنها به دست مردم سپرده و فقط در امور فردی آنها دخالت کند لذا اسلام علاوه بر انتقال پیام قدرت، پیاده سازی آنرا نیز برعهده دارد. انقلاب اسلامی که نشأت گرفته از اسلام است نیز برای خود رسالت جهانی قائل است و خود را محدود به مرزهای جمهوری اسلامی نمی کند. اگر مروری بر سخنان حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری داشته باشیم، تأیید می کنیم نگاه آنها به انقلاب، نگاهی جهانی است که آنرا به صراحت ذکر کردند. مفهوم جهانی شدن اسلام شکل گیری همگرایی جهانی براساس تفکر و علائق مشترک است، البته غربیها نیز در تعریف جهانی شدن تقریباً همین مسأله را بیان می کنند، اما روش اسلام و انقلاب برای جهانی شدن با روش غرب تفاوت دارد.

روش جهانی شدن اسلام

روش جهانی شدن اسلام، به صورت نرم همراه با آزادی و انتخاب آزادانه و عقلانی است. پیامبران الهی و در رأس آنها حضرت محمد(ص) ظهور کردند تا انقلاب فکری در نهاد بشر به وجود آورده و آنها را وادار به تفکر و اندیشه کنند، که به خود ببینند و زندگی شان را در مسیر الهی قرار دهند. طبیعی است در بحث جهانی شدن، روش اسلام، نرم است و اسلام فضایی به وجود می آورد تا انسانها اندیشه کرده و دست به انتخاب بزنند. هدف اسلام از جهانی شدن ایجاد صلح، آرامش، آبادانی جهان و بهره مندی انسانها از امکانات جهان به شکل عادلانه است، البته از تمامی این اهداف مهم، مقدمه چینی برای تعالی و دست یابی به حیات طیبه است. هرچند معتقدیم در این دنیا دستیابی به سطحی از حیات طیبه ممکن و میسر است اما آنچه مهم است، مسلماً کامل ترین سطح حیات طیبه بعد از زندگی دنیوی آغاز می شود. اسلام نه جهانی سازی که امروزه مطرح می شود را قبول دارد و نه در بحث جهانی شدن خود از روشهای جهانی سازی امروزی غربیها استفاده می کند.

ویژگی جهانی شدن غربی

جهانی شدن که ناظر بر یک فرآیند است، نه پروژه و برنامه مدیریت شده است که بخواهد چیزی را به دیگران تحمیل کند. گرچه جهانی شدن غربی به ظاهر نرم است اما در باطن آن روح نظامی گری و قدرت فهم وجود دارد و زمانی که قدرت و منافع غربیها به خطر افتد، از قدرت سخت نیز استفاده خواهند کرد. در این چند دهه اخیر که با اوج جهانی شدن غرب مواجه هستیم، با کشتار انسانها در کشورهای مختلف این مسئله به وضوح دیده می شود. ویژگی دوم جهانی شدن غربی نداشتن انتخابی آزادانه است. این طور نیست که افرادی که جهانی شدن غربی را پذیرفته اند، همه جواب آنرا بررسی کرده و از روی آگاهی آنرا انتخاب کرده باشند. شاید بتوان گفت به نوعی تحلیل نیز در آن وجود دارد. ویژگی سوم جهانی سازی غربی نیز آن است که گرچه ظاهر آن فرآیندی و طبیعی است اما قدرتهای سلطه گر در آن دخیل بوده و این جهانی شدن را مدیریت می کنند. وجه دیگر این فرآیند آن است که با گسترش علوم و فناوری شکل گرفت و بعداً پروژه های دیگر بر روی آن سوار شده و آنرا قبضه کرده و اصالت ندارد و به نفع قدرتهای خاص استفاده می شود. وقتی صحبت از جهانی سازی غربی می شود، منظورمان همین موضوع است. چرا که غرب به دنبال جهانی سازی است، نه جهانی شدن.

هدف غرب از جهانی شدن

هدف قدرت‌های سلطه‌گر از جهانی سازی تداوم استعمار جهان است. پس از انقلاب صنعتی و مسلط شدن صاحبان صنایع بر غرب و حتی دنیا لازم بود جهان به دو قسم تولیدکننده و مصرف‌کننده تقسیم شود و این رویکرد ادامه داشته باشد لذا غرب همیشه به دنبال این بود که این استعمار را حفظ کرده و در مقطعی روشهای به ظاهر سخت به راه انداخت و با جنگ، کشتار و مستعمره‌کردن کشورها این روند را ادامه داد و در مرحله بعد غرب کشتار را کنار گذاشت و روش‌های سخت را در ظاهری با روش‌های نرم ادامه داد. در جوهر جهانی شدن غربی تبعیض وجود دارد و عدالت وجود ندارد، این مخالفت‌های جدی که در خود غرب برای جهانی شدن ظهور و بروز پیدا می‌کند، بر این مسئله اذعان دارد و البته غربی‌ها در مواردی که با مشکل مواجه می‌شوند، با مسکن‌هایی، سرپوش بر این تبعیض‌ها قرار می‌دهند اما این مسکن‌ها تا حدی پاسخگو بوده و امروز کارآیی خود را از دست داده است. امروز این مسئله ابعاد وسیعی پیدا کرده و مردم نسبت به این تبعیض نهفته در جهانی شدن غربی معترض‌اند. از سوی دیگر جهانی شدن غربی به دلیل آنچه در بستر ارزش‌های الهی و انسانی شکل نگرفته است، همواره بشر را در برابر خشونت، نزاع‌های خونین و حتی محیط زیست قرار داده است.

سرانجام جهانی شدن غربی

جهانی شدن غربی پس از دهه رونق، امروز پدیده‌ای پژمرده و پلاسیده است که البته تا مقطعی این طور نبود و کسی گمان نمی‌کرد، سرنوشت آن تغییر پیدا کند. بنابراین امروز جهانی شدن غربی آن رونق سابق را ندارد. نظریه‌پردازان غربی حتی متعصبان آن دیگر بحث جهانی شدن واحد را دنبال نمی‌کنند و برخی از آنها چند جهانی شدن را مطرح می‌کنند. وقتی این‌گونه صحبت می‌شود، یعنی جهانی شدن غرب با شکست مواجه شده است.

علاوه بر این تکیه‌گاه جهانی شدن غربی که همان اندیشه و فرهنگ غربی است، درحال فروپاشی بوده و گرچه با شعار لیبرالیسم و آزادی می‌خواهد فرصتی فراهم کند تا انسان‌ها در عرصه از دیدگاه‌های آنها بهره‌مند شده و علائق و تمایلات خود را در این راستا دنبال کند اما ثمره آن تهی شده است که قدرت‌های سلطه‌گر و طمع‌کننده فرهنگ را قبض و به کانون اقتصادی و کالا تبدیل کرده‌اند و امروز فرهنگی که در نهاد لیبرالیسم وجود دارد، نسخ و بی هویت شده است و بشر را در مرحله‌ای از سکوت در برابر انسانیت قرار داده است. اینکه مقام معظم رهبری در سخنان خود می‌فرمایند "غرب درحال فروپاشی است" اشاره به همین موضوع دارد و غرب به چنین سرنوشتی دچار شده یا به سرعت درحال دچار شدن است و به سمت نابودی می‌رود.

امروز دولت‌های سلطه‌گر غربی سیطره گذشته را بر جهان ندارند و گرفتاری‌های آنها در درون روز به روز بیشتر می‌شود. ملت‌ها نیز مانند گذشته دیگر در غفلت نبوده و حتی خود ملت‌های غرب نیز بیدار شده و نسبت به واقعیت‌ها بینش و دانش پیدا کرده و دیگر تحمل نمی‌کنند. رقبای تازه‌ای برای غرب ظهور و بروز پیدا کرده که شاید هیچ گاه تصور این موضوع نمی‌شد، بسترهای جهانی شدن برای غرب همیشه مانند شمشیر دولبه بوده است و همواره فرصت ایجاد جریانهای ضد غربی را نیز برای آنها فراهم کرده است، لذا بسیاری از این بسترهایی که غرب به وجود آورده (مانند ماهواره و فضای مجازی) امروزه ضد غرب کار می‌کنند و این عامل مهمی در افول جهانی شدن غربی است. یکی از اصلی‌ترین رقبای غرب، اسلام با تفکر و محوریت انقلاب اسلامی است. غرب با همه وجود در این چند سال پس از انقلاب وارد رویارویی با این نوع از اسلام شد و از هیچ کاری اعم از برخورد نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ... فروگذار نکرد، این رویارویی حکایت از قدرت انقلاب اسلامی دارد و نشان می‌دهد غرب با موجود ضعیف و ناتوانی مواجه نیست چرا که اگر انقلاب اسلامی موجود ضعیفی بود غرب با آن مواجه نمی‌شد.

ایران هراسی و اسلام هراسی

انقلاب اسلامی روز به روز آثار جهانی بیشتری در دنیا از خود به جای می‌گذارد البته متأسفانه ما در این زمینه کم‌کاری کرده‌ایم و آنچنان که باید انقلاب را به جهان معرفی نکرده‌ایم. پروژه‌های بزرگ اسلام هراسی و ایران هراسی امروز بر ضد خود غرب شده است، وقتی آنها اقرار می‌کردند برنامه‌های نظامی و فرهنگی علیه ایران فایده‌ای ندارد پروژه‌های اسلام هراسی و ایران هراسی را به کار گرفتند اما امروز شاهدیم که بسیاری از این پروژه‌ها بر ضد خود آنها تمام شده است. به طور مثال ماجرای 11 سپتامبر تا چه اندازه توانست در کمرنگ‌شدن اسلام در غرب تأثیر داشته باشد؟ امروز شاهد هستیم میزان محبوبیت انقلاب در بسیاری از کشورها قابل انکار نیست و گروه‌های تروریستی که در چند دهه اخیر توسط غربی‌ها بنام اسلام به وجود آمده‌اند در آینده مهم‌ترین چالش برای همین غربی‌ها خواهند بود.

جهانی شدن اسلامی به چه معناست

وقتی صحبت از جهانی شدن اسلام می‌کنیم منظور ما دو قسم جهانی شدن است: نخست جهانی شدن پیش از ظهور منجی(عج) و دیگری دوران ظهور منجی(عج)، ما باید نسبت جهانی شدن اسلامی را با جهانی شدن آرمانی (در اندیشه مهدویت) روشن کنیم. جهانی‌شدن اسلام با محوریت انقلاب در طول جهانی شدن ظهور قرار دارد نه در عرض آن و دیگر آنکه این جهانی‌شدن مقدمه ظهور و شکل‌گیری جهانی شدن دوران ظهور باید باشد حتی اگر از نظر زمانی ارتباط متصلی میان این دو نباشد. بی‌تردید جهانی شدن انقلاب می‌تواند مقدمه ظهور تلقی شود، در این دوران آنهایی که امروز به مهدویت و دوران طلایی آن می‌اندیشند اگر امتحان خود را به درستی پس ندهند مطمئناً در دوران ظهور هم به خوبی از پس آن برنمی‌آیند. ظهور جهانی شدن اسلامی با محوریت انقلاب علائمی دارد؛ نخست آنکه بر طرفداران انقلاب افزوده می‌شود، اگرچه اسلام سلفی‌ها درحال گسترش است اما باید کلان‌نگر بود و این حرکت انقلاب را به حاشیه نبرده است و انقلاب همچنان در متن بوده و روز به روز بر قدرت آن افزوده می‌شود و چنانکه مشاهده می‌کنیم بسیاری از طرفداران آن غیرمسلمان و غربی هستند. علامت دوم جهانی شدن اسلامی با محوریت انقلاب، موج تازه‌ای از بیداری اسلامی که از اهداف اصولی انقلاب اسلامی است،

آغاز شده هرچند این موضوع بیداری اسلامی اتفاق جدیدی نیست و شاید تاریخ بیش از یکصد ساله‌ای داشته باشد اما انقلاب اسلامی موج‌های متفاوت از جمله موج پیروزی انقلاب، دفاع مقدس و امروز داشته است که موج امروز را نمی‌توان نادیده گرفت. از سوی دیگر جمعیت مسلمانان در جهان رو به افزایش است (البته نه از روی موالید) و قدرتهای غربی از این موضوع اظهار نگرانی می‌کنند البته مسئله اصلی آنها کشورهای خودشان است. همچنین از سوی دیگر سبک زندگی اسلامی در حال گسترش در جهان است، اگر کلان نگری کنیم این سبک به شدت در حال رشد بوده و بسیاری از افراد غربی که به اسلام روی آورده‌اند به دلیل مواجهه به همین سبک بوده است هرچند هنوز موفق نشده‌ایم به تمامی نقاط جهان پیام اصلی اسلام را برسانیم.

انقلاب اسلامی و جهانی شدن

نفوذ نرم انقلاب اسلامی در جهان روند فزاینده‌ای داشته است و نمی‌توان نفوذ سخت را برای انقلاب اسلامی در نظر گرفت، مگر در مواقعی که بحث دفاع در میان بوده است. پیشرفت‌های اعجاب‌آور ایران علی‌رغم فشارها مطلب مهم دیگری است که باید در نظر گرفت، تجزیه طلبی، حرکت‌های تروισتی در اوایل انقلاب، آغاز جنگ تحمیلی با پشتوانه قدرتهای جهانی، تهاجم فرهنگی، تحریم‌ها و ... همیشه شرایط فوق‌العاده‌ای را برای کشور ما به وجود آورده‌اند اما علی‌رغم این مسائل، پیشرفت‌های فراوانی داشته‌ایم که انکار آنها به دور از انصاف است حتی غربی‌ها نیز به این پیشرفت‌های اعجاب‌آور اذعان کرده‌اند که این موضوع قدرت اسلام را در آبادانی جهان به رخ می‌کشد.

اگر به این پیشرفت‌ها نرسیده بودیم می‌گفتیم اسلام صرفاً یک پیام است و به مرحله ظهور و بروز نرسیده است اما امروز به پیشرفتهایی مبتنی بر تعالیم اسلامی و متأثر از جهان بینی الهی رسیده ایم که این موضوع می‌تواند نشان از قدرت اسلام باشد. اگر امروز آرمان شکل‌گیری تمدن نوین نیز زنده و احیا شده است و می‌توان در خصوص آن سخن گفت همه اینها در سایه پیشرفتهای انقلاب است. اما موضوع مهمی که در جهانی شدن اسلام مطرح است نوع مواجهه جهانی شدن با فناوریها و تکنولوژی است، باید گفت این نوع مواجهه واقع بینانه است، ما فناوریها را می‌توانیم به دو دسته تقسیم کنیم: دسته اول فناوریها و تکنولوژی‌هایی که صرفاً کارکرد منفی دارد یعنی جهان بینی الحادی و اندیشه غربی در جوهر آن نفوذ کرده که البته درصد ناچیزی از تکنولوژیها در این دسته قرار می‌گیرد. اما دسته دوم تکنولوژی‌هایی هستند که کارکرد منفی نداشته و برای بهبود شرایط زندگی انسان‌ها به کار بسته می‌شود و ما می‌توانیم با تسامح از آنها استفاده کنیم.

می‌توان از بسیاری از تکنولوژی‌ها استفاده کرد، ما باید باب این فناوری‌ها را باز نگاه داشته و با تکیه بر مبانی الهی این روند را ادامه دهیم، حتی در دوران ظهور این فناوری‌ها به کار بسته خواهد شد و نمی‌توان گفت آنها به حاشیه می‌رود. قطعاً از بسیاری پیشرفت‌های بشری در دوران ظهور استفاده خواهد شد، گرچه نوآوری‌ها و خلاقیتها و روشهای جدید توسط مسلمانان به وجود می‌آید که ما امروز به دلیل غیبت امام قادر به دستیابی آنها نشده‌ایم، البته احتیاط در استفاده از فناوریهای متولدشده از غرب شرط عقل است. هندسه قدرت جهانی به شدت در حال تغییرات است. منتهی به نفع انقلاب اسلامی؛ البته این سخن به مفهوم بی اثر شدن غرب و رفع مزاحمت‌های قدرت سلطه‌گر نیست بلکه منظور آن است در این پروسه غرب در حاشیه قرار خواهد گرفت. در هندسه قدرت جهانی که انقلاب اسلامی در آن نقش منحصر به فردی دارد، تقدم با قدرت فرهنگی است. تا امروز تقدم در هندسه قدرت جهانی در دنیا با قدرت نظامی و اقتصادی بوده است و روزی خواهد رسید که این غلبه فرهنگی اقتصاد را نیز قبضه می‌کند.